

اهدای جنین

بحث در حکم در صورت سوم و چهارم از اهدای جنین بود یعنی جایی که اسپرم از مرد اجنبی باشد و با تخمک زنی که جنین در رحم او قرار می‌گیرد تلقیح شود و در رحم او قرار بگیرد. و دیگری جایی که تخمک از زن دیگری باشد که با اسپرم شوهر زنی که قرار است جنین در رحم او قرار بگیرد تلقیح شود و در رحم او قرار بگیرد. و البته گفتیم ممکن است مجرد یا شوهردار بودن زن صاحب رحم در این بین در برخی جهات تفاوتی ایجاد کند. صورت دیگری هم می‌توان در مورد آن بحث کرد و آن تلقیح نطفه زن و مرد اجنبی در خارج از رحم و پرورش جنین در خارج از رحم است که اگر چه گفته می‌شود الان انجام نمی‌شود اما انجام آن ممکن است. فرض دیگری هم قابل تصور است و آن اینکه هسته اصلی اسپرم یا تخمک را جدا کنند و آن را با اسپرم یا تخمک دیگری ترکیب کنند. چون گفته می‌شود برخی از بیماری‌ها یا ناتوانی‌ها در بارداری به خاطر پوست تخمک است و لذا هسته تخمک را از پوسته آن جدا می‌کنند و آن هسته را در پوسته تخمک زن دیگری قرار می‌دهند و بعد آن تخمک را در رحم زن قرار می‌دهند تا با ارتباط با شوهر بارداری محقق شود.

ادله حرمت تکلیفی و ادله مسائل مرتبط با نسب را به صورت مختصر گفتیم.

ادله حرمت تکلیفی:

اول: آیه امر به حفظ فرج با بیانی که گذشت.

دوم: روایاتی که اسباب حلیت فرج را منحصر کرده بود در ازدواج و ملک یمین.

سوم: روایاتی که (مثل روایت علی بن سالم و روایت اشعثیات) بر حرمت افرغ منی در فرج زنی که بر او حرام است دلالت می‌کرد.

چهارم: روایاتی که مفاد آن این بود که مرد نمی‌تواند منی‌اش را در بیش از چهار رحم قرار بدهد که گفتیم کنایه از این است که تنها راه مشروع برای بچه دار شدن ازدواج است.

ادله حکم وضعی و نسب:

اول: حرمت نفی نسبی که ثابت است.

دوم: حرمت اثبات نسبی که معدوم است.

سوم: تخلف از امارات نسب (اثباتا و نفیا)

چهار: حرمت گم کردن نسب و ایجاد اشتباه در آن

حکم صورتی که اسپرم مرد اجنبی در رحم زن قرار بگیرد را بیان کردیم و گفتیم در جایی که اسپرم مرد اجنبی در رحم زن قرار بگیرد قدر متیقن از ادله‌ای است که بر حرمت قرار دادن نطفه در رحمی که بر او حرام است دلالت داشتند.

بحث به جایی رسید که اسپرم از شوهر زن صاحب رحم است که با تخمک زن اجنبی تلقیح شود و در رحم زن قرار بگیرد. گفتیم این فرض حتما مشمول آیه شریفه حفظ فرج هست البته نه نسبت به اسپرم شوهرش بلکه به نسبت به تخمک زن اجنبی.

هم چنین روایات دال بر انحصار حلیت فرج هم شامل این صورت هست. اما روایات دال بر حرمت افراف منی در فرج زنی که بر او حرام است این صورت را شامل نیست چون اینجا مرد که نطفه‌اش را در رحم همسر خودش قرار می‌دهد و تخمک زن اجنبی هم که مشمول این روایات نیست چون نمی‌توان از این روایات نسبت به زن الغای خصوصیت کرد چون در روایت آمده است مردی که نطفه‌اش را در رحمی قرار بدهد که بر او حرام است و این در مورد زن معنا ندارد چون مراد از رحمی که بر او حرام است، حرمت مجامعت است یعنی قرار دادن نطفه در رحم زنی که که مجامعت با او حرام است، جایز نیست و روشن است که این تعبیر در مورد زن صادق نیست چون برای زن مجامعت با رحم ممکن نیست تا حرام باشد یا حلال باشد و گفته شود قرار دادن نطفه در رحمی که بر او حرام است جایز نیست.

هم چنین روایاتی که دلالت می‌کند بر اینکه مرد نمی‌تواند نطفه‌اش را در پنج رحم قرار بدهد شامل این صورت نیست چون این تعبیر در مورد زن صادق نیست.

در هر صورت نسبت بچه با مرد صاحب نطفه که روشن است و در مورد مادر مبتنی بر همان نزاع است که آیا معیار در انتساب به مادر تکون از تخمک مادر است یا زایمان؟

و البته اگر میزان انتساب را تکون از تخمک مادر بدانیم، ممکن است گفته شود چون اگر صاحب تخمک معلوم نشود، تسبیب به اشتباه نسب است از این جهت هم کار حرام است ولی این حرف مبتنی بر الغای خصوصیت از آن روایات است اما اگر نتوانیم الغای خصوصیت کنیم و معیار در آن روایات را نسب از طرف پدر بدانیم از این جهت مشکلی نیست.